

مصاحبه با استاد و پژوهشگر نستوه حاج شیخ عزیزالله عطاردی

اشاره: حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عزیزالله عطاردی آذرماه 1307 در روستای بگلر از توابع شهرستان قوچان در خانواده مذهبی به دنیا آمد. مجاورت بارگاه رضوی موجب شد تا از محضر اساتید حوزه علمیه مشهد بهره‌مند گردد. وی در سال 1332 عازم تهران شده و مجموعه تحقیقات خود را در مدرسه شیخ عبدالحسین آغاز نمود.

ایشان با تحمل مشقات فراوان تاکنون دهها اثر پژوهشی از خود برجای گذاشته‌اند که از جمله می‌توان به مجموعه 70 جلدی مسانید اهل بیت (ع) اشاره کرد. از آنجا که ایشان مرزهای پژوهش را محدود به ایران ندانسته و با پشتکار مثال‌زدنی برای تکمیل مراحل پژوهشی خود و یافتن نسخ خطی کتب مورد نیاز و ... به کشورهای مختلفی سفر کرده و محصولات علمی کم‌نظیری در حوزه مطالعات دینی برجای گذاشته‌اند؛ مناسب دیدیم محضر ایشان شرفیاب شده و پای سخن این پیشکسوت عرصه تحقیق و پژوهش بنشینیم؛ تا بتوانیم قدردانی کوچکی به سهم خود از ایشان داشته باشیم و نیز سخنان ایشان را در معرض نگاه طلاب جوان قرار دهیم. گفتنی است کتاب «عطارد دانش» یا جشن‌نامه استاد عطاردی از سوی کتابخانه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شده که به معرفی مفصل استاد پرداخته است.

به عنوان اولین سؤال در مورد نحوه شروع کار پژوهشی‌تان مختصری توضیح بفرمایید.

مجموعه فعالیت‌ها و کارهای تحقیقی‌ام در مرکز فرهنگی "فرهنگ خراسان" قابل دسترسی است. از نظر سلامتی مدتی هست که بنده مریض شده‌ام و چون زیاد در اجتماع نیستم دوستان ما از این موضوع اطلاعی ندارند؛ البته بنده نیز نمی‌خواهم تبلیغ کنم. کارها در مدرسه شیخ عبدالحسین شروع شد. کار خودم را از آن مدرسه شروع کردم. اولین کار تحقیقاتی بنده تصحیح متون بود و از سال 1334 وارد کارهای تحقیقاتی شدم. از سال 1334 که من آنجا بودم یک آقایی به نام آقای غفاری که روی تصحیح متون کار می‌کرد نیز آنجا بودند. یک روز با ایشان یک کار را مقابله کردیم و بعد من همان کار را شروع کردم و کتاب عبدالعظیم حسنی را در همان مدرسه شیخ عبدالحسین نوشتم. هنوز طلبه آنجا بودم که این کتاب را چاپ کردم. این کتاب تا به حال 3 بار چاپ شده است.

توصیه حضرتعالی به طلاب درباره کار تحقیقی و نویسندگی چیست؟

توصیه ما این است که طلبه‌ها اگر بخواهند به جایی برسند باید تحقیقات داشته باشند، پژوهش داشته باشند. حال، معلمشان چه کسی باشد مدرّسان چه کسی باشد، آن هم مطرح است. هیچ حوزه‌ای، هیچ سازمان فرهنگی، بدون استاد و راهنما رشد نمی‌کند. خوب یک وقتی هست که طلبه درس می‌خواند ادبیات می‌خواند، فقه می‌خواند، اصول می‌خواند، اینها دروس رایج حوزه است و کسی که بتواند یک شرایع را خوب درس بدهد برایش کافی است؛ اما اگر بخواهد وارد کار پژوهش بشود آنجا مرشد می‌خواهد، راهنما می‌خواهد؛ بالاتر از همه عشق و علاقه شخصی می‌خواهد. طلبه باید ببیند به چه موضوعی علاقه دارد. هر کسی در زندگی به یک کاری علاقه دارد؛ یکی راه فقه را می‌گیرد، یکی راه حدیث را می‌گیرد، یکی راه اصول را می‌گیرد، یکی راه فلسفه را می‌گیرد، یکی راه کلام را می‌گیرد؛ اینها راه‌هایی است که اشخاص می‌توانند دنبال کنند و در آن رشته متخصص بشوند. منظور بنده این است که تحقیق هم استاد نیاز دارد، بدون استاد و مربی من فکر نمی‌کنم کسی بتواند راه پیدا کند. کار تحقیق مآخذ می‌خواهد، مصادر می‌خواهد، کتابخانه می‌خواهد، منابع می‌خواهد؛ به کجا مراجعه کند؟ از چه مرجعی استفاده کند؟ اینها اساتید و مؤسساتی می‌خواهد که مشورت دهند.

چه راهکارهایی برای ارتقاء سطح پژوهشی طلاب ارائه می‌فرمایید؟

اول انگیزه شخصی است، پژوهش را نمی‌شود در مغز کسی فرو کرد. اگر کسی اهل پژوهش باشد باید او را راهنمایی کرد. کارهای پژوهش، کارهای عشقی و علاقه‌ای است و تحمیلی نیست. انگیزه باید در خود انسان باشد. من در مورد موضوع خراسان دو کار انجام دادم. یکی همین مسانید اهل بیت (ع) بود. وقتی شروع کردم ابتدا مسند عبدالعظیم حسنی را نوشتم که در حوزه شیخ عبدالحسین آن کار آغاز شد و برای من موجب پیشرفت کارهای بعدی شد. بعد مسند امام رضا (ع) را نوشتم. کم‌کم کشید به همه ائمه تا امروز که ما 73 جلد کتاب در مسانید اهل بیت (ع) نوشته‌ایم و چاپ کردیم. در مورد امیرالمومنین ع به 27 جلد، امام صادق (ع) به 22 جلد رسیده و در 70 مجلد چاپ شده است؛ البته در طول بیست سال، نه یک سال! از سال 50 در این خانه هستم، از همین خانه به 3 قاره جهان رفتم به‌خاطر یک کتاب که می‌خواستم تالیف کنم؛ رفتم نسخه‌های خطی را ببینم. این کتاب مرا کشاند به بیابانها، به کشورها. چند سال در هند بودم. سمرقند، بخارا، تاشکند، اروپا، مصر، سوریه، استانبول، یمن، مکه، مدینه و اینها را از نزدیک دیدم.

اگر طلبه‌ای عشق و علاقه‌اش را داشته باشد و بخواهد شروع کند، از کجا شروع کند؟

خودش باید بداند که از کجا شروع کند. اگر خودش انگیزه تحقیق داشته باشد، می‌داند که کجا نقصی هست. هر کجا نقصی بود از همانجا شروع کند. اگر کسی وارد موضوعی شد، خودش می‌فهمد چه کاری بکند. من یک کتابی نوشتم به نام "مشایخ فقه و حدیث در جماران و کلین و درشت". اصلاً کسی نمی‌دانست که در این سه ده اطراف شهر ری فقهی وجود داشته باشد؟ من وقتی که اسم اینها را در کتابها دیدم، فهمیدم اینجا میشود کتاب نوشت. اسمش را گذاشتم مشایخ فقه و حدیث در جماران و کلین و درشت. خوب، این انگیزه است.

معاونت پژوهش در راستای ارتقاء سطح کمی و کیفی پژوهش چه مسئولیتی بر عهده دارد؟

مسئولیت پژوهش این است که اگر دیدند کسی لیاقت دارد و می‌تواند کاری انجام دهد به او کمک کنند. همه امکانات را بدهند به آنهایی که خوش ذوق و خوش فکرند. نه اینکه خدای نکرده با اشخاصی که با آنها دوست و آشنا هستند، پارتی بازی کنند. حالا هم منظور بنده

این است که تحقیق چیزی نیست که انسان در کسی ایجاد کند؛ باید در خودش یک روح تحقیق و پژوهش باشد؛ بعد وقتی که کاری نشان داد و اهلش فهمیدند که این شخص قابل است، باید از او تقدیر کنند. اگر در طرف عشق ایجاد شد او دیگر خودش می‌داند که چه کند. اگر در طرف عشق بود هر کاری پیش می‌رود. من برای یک کتاب خطی که منحصر به فرد بود سه بار به پاکستان رفتم که این کتاب را بدست بیاورم. آخر هم بدست نیاوردم، صاحب کتاب فوت کرده بود و کتاب پیدا نشد. من چندین شرح نهج البلاغه چاپ کردم که نسخه آن را از هند آوردم و از جاهای دیگر پیدا کردم و چاپ کردم. شرح نهج البلاغه مربوط به قرن 6 و 7 و 8؛ اینها زحمت دارد. با سپاس از وقتی که در اختیار محفل قرار دادید و آرزوی سلامتی برای شما استاد گرانقدر.